

وَحْيِ قُرْآنِي بِبَيْتِ عَلَوِيٍّ

صَدَقَ اللَّهُ

دکتر حامد پور رستمی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سرشناسه:	پوررستمی، حامد، ۱۳۵۸ -
عنوان قرارداد:	نهج البلاغه، شرح
عنوان و نام پدیدآور:	Nahj al-Balaghah, Commentaries وحی قرآنی، بیان علوی در نهج البلاغه / حامد پوررستمی؛ با نظارت معاونت پژوهشی دانشکده اصول الدین.
مشخصات نشر:	قم: دانشکده اصول الدین، قم، ۱۳۹۶.
مشخصات الفهرس:	۲۱۶ ص، ۲۱×۱۴ سانتیمتر.
شابک:	ISBN: 978-600-5311-73-0
بها:	۱۵۰،۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست رسانی:	فهرست شده.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۰۱؛ همچنین به صورت زیر نویس.
یادداشت:	پیشگفتار.
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - جنبه های قرآنی
موضوع:	Ali ibn Abi-talib, Imam I, Nahj al-Balaghah - Quranic aspects
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - معلومات - قرآن.
موضوع:	Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-40 - Knowledge - Koran
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - نقد و تفسیر.
موضوع:	Ali ibn Abi-talib, Imam I, Nahj al-Balaghah - Criticism and interpretation
موضوع:	وحی - اسلام - جنبه های قرآنی
موضوع:	Revelation - Islam - Quranic teaching
موضوع:	وحی - اسلام.
موضوع:	Revelation - Islam
شناسه افزوده:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -
شناسه افزوده:	Ali ibn Abi-talib, Imam I, Nahj al-Balaghah, Commentaries
شناسه افزوده:	دانشکده اصول دین - معاونت پژوهشی
رده بندی کنگره:	۱۳۹۶ پ ۹۱ / ق ۴ / ۳۸ / ۰۹ / RP
رده بندی دیویی:	۲۹۷ / ۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی:	۵۰۵۲۲۶۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ
 وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْقِصَّةَ الْأُولَى الْوَعْدَ الْأَوَّلَ
 وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ

انستدانت دانشکده اصول الدین
 انستدانت دانشکده اصول الدین

وحی قرآنی: همان وحی که نهج البلاغه

مؤلف: محمد باقر مجلسی
 ناشر: انستدانت دانشکده اصول الدین قم
 سال چاپ: ۱۳۹۶
 نوبت چاپ: اول
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۱۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۱-۷۳-۰

نشانی: قم، ۷۵ متری عماد یاسر، خیابان شهید قدوسی، دانشکده اصول الدین، تلفن: ۲۶-

۳۷۷۷۳۵۲۵ (۰۲۵) داخلی ۱۵۲

دورنگار: ۳۷۷۷۳۵۲۸ (۰۲۵). صندوق پستی: ۱۱۵۹-۳۷۰

نشانی سایت دانشکده اصول الدین: www.osoolqom.ir



فهرست مطالب

۹	درآمد
۱۰	وحی قرآنی، بیان علوم
۱۳	مطالعه موردی تحقیق؛ امام علی و نهج البلاغه
۱۵	اهمیت و طرح موضوع

بخش اول: رابطه‌ها میان وحی قرآنی و امام

۲۳	انسان کامل در آیین نهج البلاغه
۳۳	برکه آب در برابر دریای بیکران
۳۵	ادله اولویت تعیینی امیرالمؤمنین (ع)
۴۲	صاحب علم کتاب، ترجمان حقیقی قرآن
۴۶	علی (ع) وارث قرآن
۴۸	قرآن کریم، حقیقت باطنی علی (ع)
۵۳	تلاوت قرآن در آن واحد
۵۴	مقام تحدیث

۶. وحی قرآنی؛ بیان علوی در نهج البلاغه

- ۵۹..... علی علیه السلام، قرآن ناطق و ناطق قرآن.....
- ۶۸..... جلوه‌هایی از هماهنگی حقیقت علی علیه السلام و قرآن.....
- ۶۸..... کوه و پذیرش حقیقت قرآن صامت و ناطق.....
- ۷۰..... دو شاهد رسالت نبوی صلی الله علیه و آله.....
- ۷۲..... بهترین و تنهاترین معرف یکدیگر.....
- ۷۳..... معیت حقیقی.....
- ۷۴..... حقیقت ثقلین، نزد ثقلین.....
- ۷۵..... مستبهر به حفاظت الهی.....
- ۷۶..... دوشافی شایع.....
- ۷۷..... دو هادی لامع.....
- ۷۸..... موجبات اکمال دین.....
- ۷۹..... معیت در تبیین امور.....

بخش دوم: رابطه‌ها و ریشه‌های میان وحی قرآنی و نهج البلاغه

- فصل اوّل: رابطه‌ها میان قرآن کریم با نهج البلاغه در منظر بیرونی..... ۹۳
۱. تفسیر..... ۹۳
 ۲. تأویل..... ۹۸
 ۳. تلمیح..... ۱۰۲
 ۴. تطبیق..... ۱۰۳
 ۵. تعلیل..... ۱۰۵
 ۶. اقتباس..... ۱۰۷

۷. استشهدا ۱۱۰

فصل دوم: رابطه‌ها میان قرآن کریم و نهج البلاغه ۱۱۵

۱. خصوصیات فرهنگی و معنوی قرآن ۱۱۵

۱ - ۱) تاثیر سازنده قرآن ۱۱۵

۱ - ۲) ضرورت پند پذیری از قرآن ۱۱۷

۱ - ۳) بهترین گفتار و بهار دلها ۱۱۸

۱ - ۴) قرآن، مشبه به «های آن» ۱۱۹

۱ - ۵) قرآن، پند اند انسان با خدا ۱۲۱

۱ - ۶) ظاهری دنیا و باطنی عمیق ۱۲۲

۱ - ۷) ضرورت آموزش قرآن و معارف آن ۱۲۳

۲. علوم قرآنی ۱۲۳

۳. تاریخ قرآن ۱۲۵

۴. آسیب شناسی معنوی قرآن «تحریف و سوءاستفاده‌گری» ۱۲۹

۱ - ۴) خوارج و تحریف معنوی قرآن ۱۲۹

۲ - ۴) دنیا طلبی با تفسیر قرآن ۱۳۰

۳ - ۴) رونق قرآن بوسیله تحریف معنوی ۱۳۱

۴ - ۴) فربکاری با سپر قرار دادن قرآن ۱۳۱

فصل سوم: رابطه‌ها میان موضوع تفسیر قرآن و نهج البلاغه ۱۳۳

۱. فلسفه تفسیر ۱۳۳

۲. تفسیر درست قرآن، ضامن وحدت مسلمین ۱۳۵

۳. شرایط تفسیر..... ۱۳۷
- ۱- ۳) بهره مندی از عرفان و جهان بینی الهی..... ۱۳۷
- ۲- ۳) بهره مندی از مریان شایسته..... ۱۳۸
- ۳- ۳) تابعیت آراء و اندیشه‌ها از قرآن..... ۱۴۰
- ۴- ۳) آشنایی با اصطلاحات و فرهنگ قرآن..... ۱۴۰
- ۵- ۳) فضای سالم سیاسی..... ۱۴۱

بخش سوم: سیری مصداقی و موضوعی پیرامون رابطه‌ها

۱. نگاهی تفسیری و تعلیلی پیرامون «سبحان الله عما یصفون»..... ۱۴۵
۲. گزیده‌ای از اسرار خاتم الانبیا و مدیران..... ۱۵۴
۳. حضرت آدم علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام..... ۱۵۸
۴. جایگاه ولایت..... ۱۶۸
۵. پیرامون وظایف فرشتگان..... ۱۷۳
- ۱- ۵) وساطت ملائکه در مسئله عود..... ۱۷۵
- ۲- ۵) وساطت ملائکه در انتقال اوامر الهی..... ۱۷۹
- ۳- ۵) نقش ملائکه در حفظ انسان و اعمال او..... ۱۸۳
۶. شمار خوارج و تبیین علوی..... ۱۹۳
- فهرست منابع و مآخذ..... ۲۰۱

درآمد

به نام خداوند تعالی که بانه ثقل عزیز و ثمین بر همگان بسی منت نهاده تا ره جوین، از تریک های ضلالت به روشنایی های هدایت، رهنمون و رهپویان کوی بهشت گردند. در ثقل گرانبها که تمسک به آن سعادت آفرین و کرامت افزا بوده و مراث ماندگار رحمة للعالمین و مظهر رحیمیت و رحمانیت باری تعالی قلمداد گشته است.

ثقل قرآن و عترت که عاشقان و مشتاقان، هر ره گمان و تشنه کام میان صفای قرآن و مروه عترت طی طریق و سیر سلوک نموده و به منزل مقصود می‌رسند و از این رهگذر در منای منیع و رفیع قرآن و عترت، هوی و هوس‌ها و خویش و خویشتن‌ها را قربانی و همه چیز را فدای تقلین می‌کنند. در حقیقت، سالکان بدین وسیله شیاطین مختلف انسی و جنی را رجم کرده تا با طرد هرگونه مظهر شیطان‌پرستی به حقیقت خداپرستی راه یابند. این چشمه زلال و جوشان قرآن و عترت است که می‌توان از آن، آب حیات زمزم را در یوم الترویة دنیای فانی هم نوشید و

هم ذخیره نمود^۱ و بدان وسیله عمر جاوید یافت.

وحی قرآنی، بیان علوی

در واقع دو حقیقت سترگ فراوی ما قرار دارد: وحی قرآنی و وحی بیانی. وحی قرآنی که در مصحف مدون است و دیگر وحی بیانی که نقل تبیینی و تفسیری برای وحی قرآنی داشته و در سینه مفسران حقیقی جلی گرفته است. همچنان که دانشمندان یکی از معانی مستنبطه از آیه «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا إِلَهًُا وَحْيُ يُوحَىٰ»^۲ را وحی بیانی دانسته اند یعنی آن دسته از معارف که خداوند به رسولش وحی کرده و در زمره سنت نبوی قرار گرفته است.^۳ علامه طباطبایی نیز ضمن توجه به این معنا، مراد آیه را چنین می داند که پیامبر در دعوت های خود به سوی خدا یا در تلاوت آیات قرآن بر شهادت حق هوی و هوس سخن نگفته، بلکه (هر دو قسم) وحی ای است که از جانب خداوند به او وحی می شود.^۴ از این رو وحی قرآنی، تجلی اراده خداوند است که در کتاب تدوینی یعنی قرآن گرد آمده است.

حقیقت قرآن کریم را تنها عترتیان می دانند و بسوی ریزش از تماس و مساس حقیقی با آن برخورد دارند و معدن علم و مهبط وحی برده و

۱. اشاره به تأمین سعادت دنیوی و اخروی در گرو عمل به دین اسلام.

۲. نجم، ۳ - ۴.

۳. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۳۱.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۷.

حقایق و اسرار دین از آن چشمه لا یزال ولایی اخذ می گردد، قرآنی که با نزول آن باب معرفت الله تا ابد مفتوح ماند و سفره‌ای که نشستن در پای آن نه تنها انسان ساز، بلکه پیامبر ساز است و آورنده آن نیز، اشرف پیامبران و مرسلین بوده و خداوند متعال نیز، وی را بر اساس چنین کتابی تعلیم و تأدیب کرده و خلق و خوی حضرت نبوی بر اساس این کلام ربوبی «قرآن» بنیان نهاده شده است.^۱

در واقع آنچه را که معارف الهی که در کتب آسمانی قبل از قرآن آمده است، در قالب قرآن ای ناطق الهی، امامان معصوم علیهم السلام نیز جای گرفته و آنها نیز مانند سخنان و معارف خود را قرآن صامت معرفی نموده‌اند. بنابراین قرآن کریم کامل‌ترین و برترین کتب آسمانی می‌باشد که شفای سینه‌های بیمار و سودبخش‌ترین داستان‌هاست. به فرموده امیر بیان علیه السلام، قرآن، نوری است که مصابیح آنها خاموش نشدنی و دریایی که عمق آن دست نیافتنی می‌باشد. راهی است که روندۀ اش را گمراه نکند، پرتوی که روشنایی‌اش تاریکی نگیرد، فرقانی که برانداختن خاموش نشود و شفایی است که در آن بیماری نباشد. قرآن کریم معدن ایمان و عین آن، چشمه‌های علم و دریا‌های آن، باغ‌های عدل و آبگیرهای آن است.^۲ آری، این کتاب ظاهری اتیق و باطنی عمیق دارد و عجائب و غرائب آن

۱. اشاره به حدیث شریف «إِنَّ اللَّهَ آذَنَ نَبِيَّهٖ فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهُ»، حرّ عاملی، وسائل الشّیعه، ج ۱۴، ص ۳۶۶؛ ابن ابی فراس، مجموعه الورام، ج ۲، ص ۲۷، حلی، العدد القویه، ص ۵۲.

۲. خطبه ۱۹۸.

بی پایان و کاشف تمام ظلمات و تاریکی هاست.

اما وحی بیانی اراده الهی است که در سینه معصوم علیه السلام متجلی است. علامه عسکری ضمن اعتقاد به این تقسیم دوگانه، مستند وحی بیانی را روایتی از امام صادق علیه السلام دانسته و چنین می آورد:

قسمی از وحی آن است که در آن لفظ و معنا به انبیاء وحی می گردد که این امر اختصاص به کتب آسمانی مانند قرآن ندارد و قسمی از وحی که در آن تنها، معنا وحی شده و لفظ از جانب انبیاء است مانند احادیث نبوی.^۱

چنانچه حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید:

حدیث من احادیث پدرم و حدیث پدرم حدیث جدّم و حدیث جدّم حدیث حسین و حدیث حسین، حدیث حسن و حدیث حسن حدیث ابراهیم و حدیث ابراهیم حدیث اسماعیل و حدیث اسماعیل حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله عزّ وجلّ است.^۲

در وحی بیانی (احادیث) نوعی شعور باطنی، سرمه و زهر پنهانی رخ می دهد که در طی آن حقایق و معارف الهی بطور معنایی به معصوم وحی می گردد. اما در وحی قرآنی لفظ و معنا توأم هستند.

همانطور که حقیقت قرآن صامت را فقط خداوند متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. عسکری، سیدمرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۶.

۲. کلینی، کافی، ص ۵۳.

۳. شانه چی، درایة الحدیث، صص ۴۵-۴۴.

می‌دانند، از حقیقت قرآن ناطق نیز تنها خداوند و رسولش آگاهی دارند. فضائل و اسرار علی علیه السلام همان کلمات الله هستند که کسی را توان شمارش آنها نمی‌باشد چنانچه اگر دریاها هم، برای نگارش این کلمات قلم شوند، توان نداشته و خشک خواهند گشت ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ^۱﴾.

مطالعه موردی تحقیق؛ امام علی علیه السلام و نهج البلاغه

از آنجایی که بررسی همه مصادیق و جلوه‌های وحی بیانی، فراتر از ظرفیت این کتاب می‌باشد، از این رو به عنوان مطالعه موردی، نهج البلاغه امیرمومنان علی علیه السلام به عنوان بارزترین مصداق وحی بیانی مورد بررسی و تحقیق قرار داده است. در واقع نهج البلاغه، آیینه تجلی اراده امیر بیان و تقوا است که به بیان تعریف پیش گفته، وحی بیانی قلمداد می‌شود. یعنی آنچه در نهج البلاغه ملاحظه می‌گردد، بیان و تبیین ما اراد الله است که علی از آنها سخن می‌گوید.

علی علیه السلام بهترین شاگرد مکتب وحی می‌باشد که حقیقت و اسراری هم‌چون قرآن دارد، از جمله همان‌طور که کوه تحمل پذیرش حقیقت قرآن صامت را ندارد: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَائِبًا مَتَّعِدَةً مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ^۲﴾؛ اگر ما این قرآن را بر کوه، نازل می‌کردیم همانا از خشیت الهی آنرا خاشع و متلاشی می‌دیدیم. همین کوه، تحمل پذیرش حقیقت

۱. کشف، ۱۰۹.

۲. حشر، ۲۱.

علی علیه السلام را نیز دارا نمی‌باشد، چنان‌چه خود حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«لَوْ أَحْبَبْتَنِي جَبَلٌ لَتَهافتَ!»^۱ اگر کوه مرا دوست می‌داشت، همانا متلاشی می‌گشت.

اگر بتوان مراد از این حب را عشق و معرفت به حقیقت علی علیه السلام و ولایت او دانست، روشن می‌شود که کوه که مظهر صلابت و استواری است نه تنها تاب تحمل کلام الله صامت را ندارد، بلکه در صورت نزول حقیقت علی علیه السلام نیز، متلاشی خواهد گشت.

از آجایی که بهترین معرف علی علیه السلام قرآن کریم و بهترین معرف قرآن کریم، علی علیه السلام است و آنچه از قرآن و علی علیه السلام صادر می‌گردد، همان کلام و اراده الهی می‌باشد، می‌توان گفت که علی‌شناسی در قرآن در واقع همان علی‌شناسی از لسان علی علیه السلام و قرآن‌شناسی از لسان علی علیه السلام همان قرآن‌شناسی از منار قرآن کریم می‌باشد.

معیت علی علیه السلام و قرآن، یک معیت حقیقی و واقعی بوده و از مقوله اعتبار نمی‌باشد، چنان‌چه در خطبه ۱۲۲ ماری نیز آمده است:

وَإِنَّ الْكِتَابَ لَمَعَى مَا فَارَقْتَهُ مَذْ صَحِيَّتُهُ؛ همواره قرآن به همراه من بود و از وقتی که یار آن گشتم هرگز از آن جدا نشدم.

علاوه بر این، آورنده قرآن کریم، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بر این مطلب صحه نهاده‌اند که قرآن همواره با علی علیه السلام و علی علیه السلام نیز همواره با قرآن می‌باشد. از این معیت حقیقی می‌توان پی برد که میان این دو قرآن، ذره‌ای تنافر و اختلاف دیده نشده و تناقضی بین معارف علوی و معارف

قرآنی وجود ندارد.

آری، علی علیه السلام آن امام مبینی است که در آن احصاء هر چیزی رقم خورده^۱ و به این دلیل است که گوش تاریخ بشریت فریاد «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي» را از کسی جز علی علیه السلام نشنیده و نخواهد شنید.

مکتبه قابل توجه در بحث رابطه‌ها و ریشه‌های موجود میان قرآن و نهج البلاغه آنکه یکی از اساسی‌ترین کارهای قرآن، تصحیح عبارات نهج البلاغه و یکی از اساسی‌ترین کارهای نهج البلاغه نیز تبیین آیات قرآن است. زمانی که وثوق به صدور سخن از امام علیه السلام حاصل شد، آن سخن معصوم علیه السلام محقق الصدق و صحیح می‌باشد و نیاز به تصحیح ندارد، چون خود قرآن شریف اصل بیت علیه السلام را از هرگونه خطا و اشتباه مصون و محفوظ و اقوال و افعال ایشان را حجت می‌داند، بنابراین هرگونه عرضه سخن قطعی صدور معصوم علیه السلام به قرآن جهت تأیید می‌باشد نه تصحیح.

اهمیت و طرح موضوع

در تحقیق فراوی نوع رابطه میان قرآن و نهج البلاغه، مهم‌ترین منبع تجلی وحی بیانی است، محور بحث قرار می‌گیرد. پیوند ارتباط قرآن کریم و نهج البلاغه، نکاتی چند قابل ذکر است.

همان‌طور که قرآن کریم نازله کلام ربوبی است، نهج البلاغه شریف نیز نازله روح علوی می‌باشد. سیری گذرا پیرامون آیات قرآن در

۱. اشاره به آیه شریفه «كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»، یس، ۱۲.

نهج البلاغه که بیش از ۱۲۵ آیه می‌باشد، ما را بیشتر با این حقیقت آشنا می‌کند که علی علیه السلام برترین شاگرد مکتب وحی بوده که تفسیر و تأویل تمام آیات قرآن را به قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و با دست‌خط خود نگاشت و اسرار و حقایق این کتاب را به خوبی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آموخت.^۱

این چنین است که در جای جای نهج البلاغه تلمیحات قرآنی انیق و عریق به چشم می‌خورد یعنی درخشش و تجلی آیات قرآن در کلام علی علیه السلام که این تجلی تنها لفظی نیست بلکه معنوی و مفهومی باشد. در نهج البلاغه شایسته ذره‌ای تناقض و تنافر نسبت به قرآن کریم مشاهده نشده و تطبیق و هماهنگی این دو کتاب عزیز در بالاترین سطح قابل مشاهده است. به عبارت دیگر اگر اهل فن بخواهند تک تک جملات نهج البلاغه را بر قرآن کریم عریض کنند، نه تنها مخالفت مخالفت و منافرتی با آیات کریمه مشاهده نخواهند کرد، حتی خواهند یافت که علی علیه السلام نه تنها ناطق قرآن بلکه قرآن ناطق نیز می‌باشد و آنچه از او صادر می‌شود، همان اراده الهی است، همان‌که قرآن کریم تجلیگاه اراده باری تعالی می‌باشد. به عنوان مثال مثلاً اگر رتبه از نهج البلاغه به عنوان تعلیل آیه‌ای از قرآن (رابطه تعلیل)، قلمداد کرد، به‌طور طبیعی میان این عبارت و آیه قرآن، تطبیق و هم‌سویی معنوی و بحرانی (رابطه تعلیل) نیز وجود خواهد داشت. یعنی می‌توان گفت که هر تفسیری یک نوع تطبیق است، اما الزاماً نمی‌توان هر تطبیقی را به عنوان تعلیل به حساب آورد. بنابراین آنچه از موضوعات کلامی، اعتقادی، فقهی،

تاریخی، اجتماعی و... در نهج البلاغه شریف آمده است، هم‌سو و هم‌جهت با اهداف و معارف قرآنی می‌باشد. از این رو است که امامان معصوم علیهم‌السلام فرموده‌اند که کلام ما (روایات رسیده بر مردم) را بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق با آیات بود آنرا بپذیرید (یعنی سخنان ما هیچ‌گونه تعارضی با آیات کریمه ندارند) و اگر مخالف با آیات قرآن رد، آنرا کنار بگذارید (یعنی سخنی که معارض با معارف و محتوای قرآنی باشد بدون شک از ما اهل بیت صادر نشده است)^۱ (کلینی، ۶۹/۱). بنابراین امام سخنان امام علیه‌السلام در نهج البلاغه، از یک تطبیق و معیت همیشگی با قرآن برخوردار می‌باشد.

این نوشتار بر آن است که این هماهنگی‌ها را از منظر بیرونی مورد بررسی قرار دهد. به عبارت دیگر در بررسی روابط قرآن و نهج البلاغه از منظر درونی، موضوعات و موضوعات قرآن و نهج البلاغه دنبال شده و در نتیجه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند به عنوان مثال موضوعاتی چون توحید یا نبوت یا معاد در خطب یا نامه‌های نهج البلاغه استخراج و با مباحث توحیدی یا معادی مقایسه و مطابقت داده می‌شود و محصول کار، کشف معارف و حقایق نوینی از تطبیق کلام ربوبی و سخنان علوی است. چرا که همواره، همراهی و هم‌سویی قرآن و عترت برپا شده است. افق‌های نو معرفتی و علمی را فرا روی تشنگان ثقلین قرار دهد. به عبارت دیگر، هدف از درون‌نگری آن است که موضوعات مشابه و

۱. ر.ک: پوررستمی، بررسی روایات عرض و ارتباط آن با حجیت ظواهر قرآن، مجله علمی و ترویجی سفینه، پاییز ۸۷.

یکسان در درون قرآن و نهج البلاغه استخراج و به رشد معرفتی و وجوه‌شناختی یک موضوع خاص و معین مانند توحید منجر شود. هر چند در بخش آخر این کتاب، نمونه‌هایی در شش موضوع متنوع ذکر شده است که علاوه بر روابط بیرونی قرآن و نهج البلاغه، به نوعی، روابط درونی نیز مورد بررسی قرار داده است. اما محور در این اثر بیرون‌نگری به روابط قرآن کریم و نهج البلاغه است.

از این رو در درون‌نگری به جنبه‌های معرفتی تقلین پرداخته می‌شود در حالی که در بیرون‌نگری جنبه‌های ارتباطی و انواع آن مد نظر است. به دیگر معنا وقتی در منظر بیرونی به نهج البلاغه و قرآن می‌نگریم، نوع رابطه مورد توجه قرار می‌گیرد نه موضوع رابطه. یعنی آنچه دنبال می‌شود تعداد و نوع علایق و روابطی است که می‌توان میان نهج البلاغه و قرآن برقرار نمود. به عنوان مثال اگر ما در حکمت پاره‌ای از آیات قرآنی در نهج البلاغه ذکر گردیده باشد، فارغ از بعد معرفتی، نوع رابطه‌ای که میان نهج البلاغه و قرآن می‌توان برشمارد، تبیین می‌باشد که در آن امیرمؤمنان (علیه السلام) به تبیین فلسفه برخی از آیات پرداخته‌اند.

امیر بیان، علی (علیه السلام) با روش‌های گوناگون به معارف و شرایط قرآنی اشاره کرده و به تشریح آنها پرداخته است و در قالب‌های سحتات، بطور مستقیم یا غیر مستقیم از آیات قرآن استفاده نموده و در روشنگری‌ها و احتجاجات خود از آنها بهره برده است.

به‌طور خلاصه باید گفت بسته به نگاه و هدف محقق، دو رویکرد را می‌توان در بررسی رابطه نهج البلاغه با قرآن دنبال نمود:

۱. نگاه درونی که هدف را سیرت و موضوع رابطه قرار داده و به ابعاد معرفت شناختی و علمی می‌پردازد.

۲. نگاه برونی که به صورت و نوع رابطه پرداخته و انواع و اشکال روابط و چگونگی تعامل آنها را دنبال می‌نماید. اگر چه ممکن است در نگاه درونی و پردازش ابعاد معرفتی، یکی از صور ارتباطی به طور طبیعی شناسایی گردد و یا اینکه در فرآیند بررسی صور و اشکال ارتباطی، حصول وجود معنی و علمی در یک موضوع دور از دسترس نمی‌باشد (اگر چه هدف اصلی حقیقت بوده است).

این اثر در سه بخش کلی تنظیم شده است:

الف) رابطه‌ها میان امام علی (علیه السلام) و قرآن.

ب) رابطه‌ها و ریشه‌ها میان قرآن کریم و نهج البلاغه از سه منظر.

ج) سیری مصداقی و موضوعی در روابط